

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه بیست و پنجم

اقسام ظلم

مجری: در جلسات قبل گفته شد که دین، چهار کارکرد را راجع به حق الناس انجام داده است که مسبق به سابق نبوده است؛ اول این که حق را توسعه داد و صاحبان حق را گسترش داد و دیگر این که جایگاه آن را بسیار بالا برد و نوعی رنگ و بوی تقدس به آن داد نسبت به رعایت آن و آن را مهم جلوه داد و آنرا برجسته کرد و توجهات را به آن جلب کرد. ما الان آمده ایم که این موضوع سوم را بیشتر راجع به آن توضیح بشنویم .

جواب: شهیدی را آوردند در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله که پیامبر بر او نماز بخوانند. و پیامبر هم در حق او دعا کردند. وقتی می خواستند شهید را دفن کنند پیامبر فرمودند از بستگان این شهید کسی این جا هست؟ گفتند آری؛ فرمودند این شهید تا درب بهشت رفته اما سه دره می به یک غیر مسلمان بدهکار است و به او اجازه ورود نمی دهند... امام علی علیه السلام در این باره فرمودند: ولقد صلی باصحابه ذات فقال: ما هاهنا من بنی النجار احد و صاحبهم محتبس علی باب الجنه بثلاثه دراهم لفلان الیهودی و کان شهیدا....

وقتی دقت می کنیم می بینیم که دین اسلام در واقع ردیف رعایت حق الناس را می خواهد که بالا ببرد و زشتی و پلشتی عدم رعایت آن را می خواهد که تذکر دهد....

در احادیث وارد شده روزی دو کودک خردسال هر کدام خطی نوشته بودند و برای داوری در میان آنها و انتخاب بهترین خط به حضور امام حسن رسیدند، علی (علیه السلام) که ناظر این صحنه بود فوراً به فرزند خود فرمود: یا بنی انظر کیف تحکم فان هذا حکم و الله سالک عنه یوم القیامه....

فرزندم درست دقت کن چگونه داوری می کنی زیرا این خود یک نوع قضاوت است و خداوند روز قیامت درباره آن از تو سوال می کند

و یا زمانی که پیامبر احساس کردند که روزهای پایانی عمر ایشان است، به اصحاب گفتند که من را به مسجد ببرید... و ایشان شروع به سخنرانی کرد و گفت که دوست دارم اگر کسی حقی از من برعهده دارد، همین جا از من بگیرد... که در این حال شخصی به پیامبر در آن جلسه گفت شما در سفر طائف عصای شما به شکم من خورده بود.... حضرت دستور دادند که عصای ایشان را بیاورند و آوردند، پیراهن خود را بالا زدند، تا این شخص هم عصای پیامبر را به کمر یا شکم پیامبر بزند! با این که زدن پیامبر هم عمدی نبود، و در این حال قصاص هم ندارد. و این شخص هم از آن جا که از این رفتار پیامبر خوشش آمده بود، آمد و شکم پیامبر را بوسه زد، با همه این احوال باز پیامبر از او پرسید، آیا راضی شدی؟ و این سوال را دوبار از او پرسیدند...

توجه به حقوق مردم حتی در روز عاشورا

موسی بن عمیر از پدرش نقل می کند که امام علیه السلام (در روز عاشورا) به من فرمود:

«نَادِ أَنْ لَا يُقْتَلَ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ نَادِ بِهَا فِي الْمَوَالِي فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: مَنْ مَاتَ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ أُخِذَ مِنْ حَسَنَاتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (میان همه یارانم) اعلام کن هر کس دینی بر عهده دارد با من کشته نشود؛ زیرا که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: «هر کس از دنیا برود و دینی بر ذمه داشته باشد، از حسنات وی در فردای قیامت برداشته می شود.»

اقسام ظلم

امام باقر (علیه السلام)

الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ ظَلَمْتُ يَغْفِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ظَلَمْتُ لَا يَغْفِرُهُ وَ ظَلَمْتُ لَا يَدَعُهُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ فَالشَّرْكُ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَظَلَمْتُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدَعُهُ فَالْمُدَايَنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ.

امام باقر(ع) فرمود: ستم بر سه گونه است ستمی که خدای عز و جل اش می آمرزد و ستمی که خدایش نیامرزد و ستمی که خدا نادیده اش نه انگارد اما ستمی که خدایش نمی آمرزد شریک قرار دادن از برای خدا است و ستمی که خدایش بیامرزد ستمی است که انسان میان خود و خدا بر خود روا میدارد و اما ستمی که خدا نادیده اش نگذارد حقوق بندگان خدا نسبت بیکدیگر است.

مجری: سوال این است که با این همه دقت دین، اگر جایی ، کسی حقی بر ما دارد و ما یادمان نیست که بوده چقدر بوده، کجا بوده، چه باید بکنیم؟

جواب: نکته جالب این است که در دین هیچ بن بست و وجود ندارد؛ مگر تا جایی که انسان از دنیا برود که در این حال اگر تقاضای برگشت هم داشته باشد، برگشتی وجود نخواهد داشت و به او این اجازه را نمی دهند .... حتی إذا جاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِمُ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ...

به هر حال، اگر انسان می تواند باید که جبران کند، اگر حقی از کسی ضایع کرده است، باید که به او برگرداند، اما ممکن است که شخص از دنیا رفته است و ما غیبت او را کرده ایم ، در این حال باید که به جای او صدقه بدهیم. وقتی صدقه به او می رسد ، و گفته می شود که این صدقه مال فلانی است طبعاً خوشحال می شود و این جبران کننده است. و نهایتاً باید به رحمت خدا متوسل شد؛ و خداوند هم رد نمی کند توبه چیزی غیر از پشیمانی نیست؛ اگر انسان پشیمان شود از گناه و توجه به خدا کند این می شود توبه و می تواند جبران کند گناه جبران این کوتاهی ها به این صورت هست که انسان از خدای متعال می خواهد که او از جانب خودش ببخشد و در قیامت، طرف مدعی را راضی کند. در دعای روز دوشنبه هم هست که امام علیه السلام می فرمایند خدایا اگر از جانب من ظلمی بوده خودت از رحمت خودت ببخش... اما نباید این جریان مأمنی باشد برای ادامه دادن و اتکا به این کند که فلانی گفت که می توان از خدا خواست که از رحمت خود ببخشد پس هر کار که خواستم انجام دهم!... سوال این است که آیا انسان مطمئن هست که در حال گناه

نمی میرد؟! گرچه توبه تا آخرین لحظه زندگی امکانش هست اما بحث این است که خیلی وقتها انسان توفیق توبه پیدا نمی کند. به این دلیل که انسان خیلی وقتها به جایی می رسد که اصولاً گناه را گناه نمی داند، توجیه می کند و آن را استخفاف می کند و کوچک می شمرد و در نهایت آن که کار را تمام میکند، استکبار است. این است که انسان هر زمان که لازم دید باید خود را کنترل کند، البته این امکان هست که هر زمان لیز بخورد اما دائم باید این حالت ترمز و توقف در برابر و خود کنترلی را باید داشته باشد تا ملکه عادت شود و بتواند هر زمان در برابر گناه مقاومت کند و به سوی آن کشیده نشود.

مجری: خداوند در برابر ظلمی که به انسان شده است، چه دوست دارد؟ ما اگر نگاه سودجویانه داشته باشیم که می توانیم کلی سود کنیم اگر در این دنیا کسی را نبخشیم و همه حساب و کتاب را برای آن دنیا بگذاریم. سوال این است که خداوند چه دوست دارد؟

جواب: خدای سبحان عفو و بخشش را دوست دارد حتی در رابطه با قتل... اما دین دست را نیسته است به این معنا که دین جایگاهی برای مقابله به مثل گذاشته است اما ممکن است کسی نبخشد و انتقام هم نگیرد و بگوید قرار دادم برای قیامت البته این امر اشکال ندارد.

چهارمین تاسیس برای حق الناس

چهارمین تاسیس آن است که خدای متعال که این مؤاخذات را برای عدم مراعات حق الناس طراحی کرده، دقیق طراحی کرده است. این که در دعاها داریم که خداوند سریع الحساب است و ممکن است برخی این برداشت را داشته باشند که یعنی خداوند متعال بدون این که وقت کافی اختصاص دهد، گناهان را سریعاً و فرمالیته حساب رسی می کند. اما باید توجه کنیم که دقیق الحساب هم هست. ممکن است کسی از دنیا رفته باشد اگر بتوان ارتباط برزخی با او برقرار کرد اگر از او سوال شود که چند سال است که فوت کرده بگوید صدها هزار سال و عکس این داستان... خدای متعال می فرماید:

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ

و ما ترازوهای عدل را به روز قیامت خواهیم نهاد و هیچ ستمی به هیچ نفسی نخواهد شد و اگر عملی به قدر دانه خردلی باشد در حساب آریم و تنها علم ما برای حسابگری کفایت خواهد کرد.

و یا خدای متعال از جانب لقمان می فرماید:

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

ای فرزندم، خدا اعمال بد و خوب خلق را گرچه به مقدار خردلی در میان سنگی یا در (طبقات) آسمانها یا زمین پنهان باشد همه را (در محاسبه) می آورد، که خدا توانا و آگاه است....